

# اهمیت تجارت ابریشم در زمان صفویه

دکتر احسان اشراقی





از روزگاری که بنا بر اقوال مختلف، ابریشم در سرزمین چین به وجود آمد، تا اوایل قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی که شاه اسماعیل اول حکومت صفوی را بنیان نهاد، ابریشم به صورت کالایی گرانبها از شرق به غرب و از راهی که به نام جاده ابریشم خوانده شده است، حمل می شد، و راههای کاروانرو شاهد عبور کاروانهایی بود که با هزاران مشقت از چین و دو سوی دریاچه اب نور به پامیر و از آنجا به یارغند، سمرقند، بخارا، طراز، توس و نیشابور، در دامنه های جنوبی البرز و سرانجام به اروپا می رفت، و ابریشم که یکی از اقلام این مال التجاره و البته گرانبها ترین آنها بود، به قیمتی گزاف در بازارهای بین المللی به فروش می رسید. اما صرف نظر از منافع اقتصادی، آنچه به این گذرگاه تاریخی اهمیت می دهد، نقشی است که این راه در مدنیت انسانی ایفا کرده، و وسیله ای شده است تا فرهنگ ملتها، از اقصی نقاط شرق آسیا تا غرب اروپا با هم

درآمیزد، و در تقاطع راهها و شهرهای بازرگانی آرا و عقاید اقوام گوناگون و تمدنهای متنوع گاه آزادانه و گاه از روی اجبار در عبور از دشتهای بی‌کران و کوههایی سرسخت، به جستجوی مأمنی آرام برخیزد. اشتراک در منافع، باراندازها و شهرهای مسیر را در رونقی اقتصادی بارور ساخت، و در این توقفگاههای کاروانی، فرهنگهایی به وجود آمد که مظاهر آن را امروزه از دیوارنگاره‌ها و خطوط و نقوش و سبکهای معماری باقیمانده در شهرهای مسیر کاروانهای ابریشم می‌توان مشاهده کرد.

در فاصله زمانی پس از استقرار حکومت ایلخانان مغول تا آغاز عصر صفوی، جاده‌های اصلی و فرعی ابریشم دایر بود، و این امر، به گستردگی قلمرو مغول، و وحدت اداری و نظامی مربوط می‌شد که آزادی تجارت بین شرق و غرب را تضمین می‌کرد. لکن پس از تشکیل دولت صفوی و بسته شدن راههای ماوراءالنهر و آسیای مقدم توسط ازبکان و عثمانیان، موانع بزرگی بر سر راههای تجارتنی یادشده پدید آمد، و با این ترتیب دیگر جاده ابریشم به صورت سابق وجود نداشت. اما تولید و صدور ابریشم متوقف نشد، زیرا دولت صفوی به صورت رقیبی برای چینیان درآمد و بازرگانان ابریشم به جستجوی راههای دیگری برآمدند که از آن جمله راه دریا‌های جنوب بود.

قبل از این - دو واقعه بزرگی که یاد شد - راههای بازرگانی قدیم بویژه راهی که کاشغر را از طریق ایران به بغداد می‌پیوست، بسیار فعال بود. این راه، از کاشغر و اترار می‌گذشت، و به جیحون و آمل (چارجوی) می‌پیوست. شهرهای عمده سمرقند، بخارا، مرو، توس، دامغان، گرگان و ری نقاط اصلی این راه بودند. در قزوین راه به شعباتی تقسیم می‌شد: برخی به آذربایجان و اران، و یا طرابوزان می‌رفت و بعضی به همدان، و از

آنجا به بغداد یا موصل، و در آسیای صغیر به از میر منتهی می شد و شاخه های فرعی آن از راه توس، هرات، قندهار، کابل، خیبر و پشاور، و راه ری، اصفهان، یزد و کرمان به هرمز منتهی می گردید، و نیز راهی که در سیراف به شیراز و اصفهان می رسید<sup>(۱)</sup>.

ابن بطوطه و کلاویخو دو تن سیاحی که در دوره تیموریان به سیر و سفر پرداخته اند، در عبور از شهرهای بازرگانی که در مسیر جاده های اصلی قرار داشت، خاطرات سفر خود را ثبت کرده اند که از منابع عمده مطالعات تاریخی است. ابن بطوطه در ۷۲۵ هجری قمری، سفر خود را در طنجه آغاز کرد، و در طی سفر نسبتاً طولانی خود که ربع قرن به طول انجامید، از خراسان، ماوراءالنهر، آسیای صغیر، جزایر خلیج فارس، هند و چین و بیزانس دیدار کرد. کلاویخو، سفیر هانری سوم، پادشاه اسپانیا در آغاز قرن نهم هجری قمری از شمال غربی ایران تا اقصای شمال شرقی را پیموده است. او، در شهر تبریز از خیابانها و میدانهای وسیع و ساختمانهای بزرگ و بازارهای آن سخن می گوید و می نویسد: در بازارهای تبریز پارچه های ابریشم و تافته و جواهرات فراوان می توان یافت<sup>(۲)</sup> و در مورد سلطانیه نیز می نویسد: شهری است پر جمعیت و در ماههای تابستان کاروانهای بزرگی از شتران با بارهای کالا به این شهر می رسید... هرگونه ابریشم از گیلان که در ساحل جنوبی دریای خزر واقع است، به این شهر حمل می گردد، و این ابریشم، از سلطانیه به دمشق و دیگر قسمتهای سوریه و ترکیه (عثمانی) و کریمه صادر می گردد. از این گذشته، همه گونه ابریشم محصول شماخی که پارچه های ابریشمی در آن

۱. باستانی پاریزی محمد ابراهیم: «راه ابریشم» اژدهای هفت سر، ص ۲۱۵.

۲. کلاویخو، سفرنامه، ترجمه مسعود رجب نیا، ص ۱۶۲.

بسیار تهیه می‌شود، به سلطانیه صادر می‌گردد، و بازرگانان ایرانی و بازرگانان ژن دونیزه نیز بدانجا می‌آیند<sup>(۱)</sup>. این سیاحتگر در باره سمرقند، پایتخت تیمور، به تفصیل صحبت کرده و می‌نویسد: این شهر ۱۵۰،۰۰۰ نفر جمعیت دارد که از آن میان، تعداد زیادی ترک، عرب، یونانی، ارمنی، یعقوبی، نسطوری و هندی هستند. کارخانه ابریشم آن، حریر و زربفت و تافته تولید می‌کند و لباسهای ابریشم بسیار است، و اشاره می‌کند<sup>(۲)</sup> تیمور پشتیبان بازرگانی و داد و ستد بود تا پایتخت خود را تبدیل به یکی از شهرهای بزرگ کند. او از دمشق بافندگان را که با دوکهای مخصوص پرنیان بافی کار می‌کردند، به سمرقند آورده است. بازار این شهر پر است از کالاهای کشورهای دیگر، چرم روسیه و تاتار، و ابریشم بسیار مرغوب چین که در جهان مانند ندارد<sup>(۳)</sup>. کلاویخو در مراجعت از سمرقند از باورد، خبوشان، جاجرم، بسطام، دامغان، دژ فیروزکوه، سمنان، ورامین، خرقان، قزوین، سلطانیه، زنجان، تبریز، قراباغ به گرجستان رفته و از آنجا به بندر طرابوزان رسیده است. به نوشته او، از تبریز تا سمرقند همه جا چاپارخانه‌هایی وجود دارد که در آنها اسبهای راهوار آماده حرکت هستند، و پیکها بدون آنکه لنگ بمانند، می‌توانند شب و روز راهپیمایی کنند. در بعضی چاپارخانه‌ها، حتی یکصد اسب هم وجود دارد<sup>(۴)</sup>.

ابن بطوطه، وصف می‌کند که در خوارزم به مهمانی امیر آن ناحیه رفته و مشاهده کرده است که تالار قصر خوارزم دیوارهایی داشته است با

۱. همان اثر، ص ۱۶۸.

۲. همان اثر، ص ۲۸۴. ۳. همان اثر، ص ۲۸۶. ۴. همان اثر، ص ۱۶۴.

پارچه‌های رنگین و سقفی که از ابریشم زربفت پوشانده شده بود<sup>(۱)</sup> و در خرگاه سلطان ماوراءالنهر، تزییناتی با پارچه‌های ابریشم زربفت مشاهده کرده‌است<sup>(۲)</sup>. در شهرهای بخارا، سمرقند، نخشب، ترمذ، بلخ، هرات، توس، نیشابور و بسطام، از رونق این شهرها، سخن به میان آورده‌است<sup>(۳)</sup>. تصویری که کلاویخو از شهرهای مسیر جاده قدیم خراسان به دست داده‌است، مربوط به زمانی است که این شهرها ویرانگریهای دوران مغول و تیمور را پشت سر نهاده‌اند، و این تهاجمات اثر چندانی بر تجارت کالاهای پر سود مانند ابریشم نگذاشته‌است. زیرا امپراتوری مغول<sup>(۴)</sup> در ابتدای امر، بازکردن راه تجارتنی کاروانی ابریشم بین ایران و چین را مورد توجه قرار داد، و حفظ و امنیت راههای تجارتنی را تضمین کرد. در نتیجه آبادی و مرمت راهها و دقت ایلخانان در دایر نگهداشتن آنها، ممالک ایلخانی مخصوصاً از دوره غازان خان به بعد مرکز تجارت و دادوستد مهمی گردید، و تبریز بخصوص بزرگترین بازار معامله بین شرق و غرب شد چه اغلب راههای بزرگ به مناسبت اهمیت موقع و پایتخت و از طریق اردبیل، جلفا و خوی، با مغان و اران مربوط بود و از سه طریق به خلیج فارس متصل می‌شد. اول از طریق معابر کوهستانی غرب، به بصره و بغداد، دوم، از طریق قزوین، ری، قم، کاشان، اصفهان و شیراز به بندر سیراف، و سوم، از طریق کاشان، یزد و کرمان، به هرمز. ایلخانان در دستیابی به کوتاهترین راه بین شرق و غرب یعنی راه طرابوزان نیز سعی خود را به کار بردند و از این تاریخ بود که تجارت بین

۱. ابن بطوطه، سفرنامه. ترجمه، دکتر محمدعلی موحد، ص ۴۰۸.

۲. همان اثر، ص ۴۰۸. ۳. همان اثر، صص ۴۱۴-۴۱۷-۴۲۸-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳.

۴. عباس اقبال. تاریخ مغول، ص ۵۷۰.

ایران و اروپا روتق گرفت، و این روتق در دوره تیموریان نیز ادامه یافت<sup>(۱)</sup> لکن سقوط قسطنطنیه در سال ۸۵۷ ه. ق. / ۱۴۵۳ م. به دست ترکان عثمانی سبب شد تا تغییری ناگهانی در ارتباطات بازرگانی بین شرق و غرب پدید آید. دولت عثمانی پس از تسخیر این شهر، به سوی بالکان پیش رفت، و پس از تسلط بر مدیترانه خاوری و جنوب خاوری کنترل راههای زمینی و دریایی قدیمی بین آسیا و اروپا را به دست گرفت، و جمهوری ونیز و بندر طرابوزان که بعد از جنگهای صلیبی پشتتاز بازرگانی با شرق بود از نظر موقعیت اقتصادی تنزل کرد. سی و پنج سال بعد پرتغالیان که تا آن زمان عامل قابل ملاحظه‌ای در تجارت مشرق زمین نبودند، موفق شدند از جنوب افریقا خود را به اقیانوس هند و دریای عمان برسانند و الگوی سنتی تجارت را در این منطقه تغییر دهند. آلبوکرک دریانورد ماجراجوی پرتغالی در سال ۹۱۳ ه. ق. / ۱۵۰۷ م. جزیره هرمز را که از مراکز مهم بازرگانی دریایی ایران در جنوب بود، اشغال کرد و بر راه خلیج فارس به هند مسلط شد. این واقعه مقارن بود با استقرار دولت صفوی در ایران.

تشکیل دولت شیعی صفوی در آغاز قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی به نوبه خود مسائل سیاسی و اقتصادی بین شرق و غرب جهان را تحت الشعاع قرار داد. با پیدایش این دولت بخش بزرگی در ایران قدیم - از آمودریا تا فرات - تحت حکومت واحدی درآمد، و شاه اسماعیل توانست زیر لوای مذهب تشیع، ملت واحدی را مجتمع سازد، و حکومتهایی را که زاینده چند قرن حاکمیت ایلخانی و تیموری بود،

براندازد. آیین صفویه، پرده آهنینی در شرق، بین اوزبکان و ایران، و در غرب بین عثمانیان و ایرانیان ایجاد کرد، و در میان این پرده مردم ایران فرهنگ و وحدت ملی خود را پس از قرن‌ها به دست آوردند<sup>(۱)</sup>. اما دولتهای نیرومند عثمانی و اوزبک در شرق و غرب ایران که استقرار یک دولت شیعی را در جوار خود بر نمی‌تافتند، علیه آن به مبارزه برخاستند و حملات بی‌امان را آغاز کردند، اما این حملات که سخت‌ترین آن جنگ چالداران و شکست شاه اسماعیل بود، آن‌طور که دشمنان تصور می‌کردند، تأثیری در براندازی دولت جوان صفوی نکرد. لکن نتیجه فوری استقرار این دولت، بسته‌شدن راههای اصلی بازرگانی بین آسیا و اروپا بود. دولتهای اروپایی و دولت صفوی هر کدام برای رهایی از بن‌بستی که دولت عثمانی فراهم ساخته بود، اقداماتی را آغاز کردند. اروپاییان راه تجارت دریایی را از طریق جنوب افریقا و آسیای مرکزی پیش گرفتند و دولت صفوی نیز که از راههای بازرگانی غرب کشور محروم شده بود، متوجه راه دریایی جنوب و شمال و راههای زمینی شرق گردید و خلیج فارس که تا آن زمان ارزش و جایگاه واقعی خود را در امر بازرگانی در حکومت‌های قبل از صفویان نیافته بود، مورد توجه قرار گرفت. راه دریایی جنوب پس از آنکه آلبوکرک در سال ۹۱۳ قمری بندر هرمز را از دست ابانصر ملک هرمز خارج ساخت، از کنترل دولت صفوی خارج شد. جزیره هرمز یکی از مراکز مهم تجارتي محسوب می‌شد، و اغلب سیاحان و جغرافی‌نویسان اسلامی درباره اهمیت آن نوشته‌اند. در حدود سال ۷۰۱ هجری (۶۹۹ - ۷۰۰ ه.ق.) به علت حمله مغولان جغتایی



میربهاء‌الدین ایاز، پانزدهمین امیر هرمز، از آن بندر با تمام اهالی به جزیره جرون منتقل شد و اسم آن جزیره را به یادگار وطن قدیم خود به هرمز تبدیل کرد، و در آنجا شهری تازه بنا نهاد<sup>(۱)</sup>. رالف فیچ سیاح و تاجر انگلیسی (حدود ۹۸۶ ه. ق.) می‌نویسد «در شهر هرمز تجار از کلیه ملل عالم چه مسلم و چه غیر مسلم اقامت دارند و به تجارت اقسام ادویه و پارچه‌های ابریشمی و فرشهای ایرانی مشغول هستند. از جزیره بحرین، مرواریدهای اعلا بدانجا می‌آورند و اسبهای اصیل ایرانی را که در هندوستان مشتری زیاد دارد، ابتدا به این جزیره می‌آورند و بعد به هندوستان می‌فرستند»<sup>(۲)</sup>.

اندکی بعد از تصرف هرمز توسط آلبوکرک، شاه اسماعیل، پادشاه صفوی، از پادشاه هرمز مطالبه خراج کرد و پادشاه هرمز به آلبوکرک مراجعه نمود و در این خصوص، از وی کسب تکلیف نمود. آلبوکرک در جواب گفت: مملکت هرمز را به زور گرفته‌ایم، و سلطان حق ندارد غیر از دولت پرتغال به هیچ دولت دیگری باج و خراج دهد، و اگر سلطان غیر از این رفتار کند، مملکت هرمز را از او گرفته و به شخص دیگری خواهیم داد<sup>(۳)</sup>.

گرفتاریهای شاه اسماعیل در داخل و خارج کشور و حضور نیروی دریایی مجهز پرتغال در خلیج فارس و نفوذ این دولت در هند این مکان را برای شاه فراهم نمی‌کرد تا سلطه خود را بر سواحل و جزیره خلیج برقرار کند، و کوشش ایران برای تسلط بر راههای بازرگانی دریایی جنوب تا

۱. نصرالله فلسفی، تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، ص ۱۷.

۲. سرآرنولد ویلسن، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، ص ۱۲۱.

۳. سرآرنولد ویلسن، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، ص ۱۳۰.

زمان شاه عباس اول، به نتیجه‌ای نرسید. در مقابل، دولت صفوی ترجیح داد تمامی تلاش خود را در مقابله با دو قدرت عثمانی و اوزبک در غرب و شرق کشور به کار گیرد، و در عین حال، نظر مساعدت دولتهای اروپایی را بر ضد تجاوزات دولت عثمانی جلب نماید. ظاهراً نخستین تلاش در این زمینه تا آنجا که به دوران صفویه مربوط می‌شود، از سوی شاه اسماعیل انجام گرفت. این پادشاه از کارل پنجم پادشاه مقتدر اروپا درخواست نمود در برابر عثمانی با ایران متحد شود<sup>(۱)</sup> و برای ارتباط با دولت و نیز اقداماتی نیز صورت گرفت لکن بعد مسافت و موانعی که عثمانی بر سر راه ایران و اروپا ایجاد کرده بود، و سرانجام مرگ شاه اسماعیل این اقدامات را متوقف ساخت. از زمان شاه تهماسب، جانشین شاه اسماعیل، دولت انگلستان که در آن زمان الیزابت اول بر آن حکومت می‌کرد، تصمیم گرفت از طریق روسیه با ایران مناسبات بازرگانی برقرار سازد. چون راه دریایی جنوب توسط پرتغالیان کنترل می‌شد و برعکس از طریق دریای خزر مناسبات بازرگانی نزدیک انگلستان و دولت مسکوی براساس تجارت پوستهای گرانبها، امکان دستیابی تجار انگلیسی را به بازارهای ایران فراهم می‌ساخت. ریچاردز چانسلر نخستین کسی بود که این سفر سیاسی و اقتصادی را آغاز کرد، و شرکت مسکوی را با اجازه تزار روسیه تأسیس نمود. پس از او، آنتونی جن کین سن، این مأموریت را دنبال کرد و در سال ۹۶۹ ه. ق. / ۱۵۶۱ م. بود که دستور برقراری مناسبات تجاری با ایران را از دولت متبوع خود دریافت کرد، و موفق شد با خرید ابریشم از ایالات شمالی ایران با بازرگانان پرتغالی که این تجارت

۱. عبدالحسین نوایی، ایران و جهان، ص ۱۵۳.

را در انحصار خود داشتند، رقابت کند. این شخص پس از دوبار مسافرت به ایران و ملاقات با شاه تهماسب بی‌آنکه توفیقی در عقد قرارداد بازرگانی با ایران حاصل کند، با مقدار زیادی ابریشم زربفت و جواهر برای تزار روسیه بازگشت. در سال ۹۷۶ ه. ق. / ۱۵۶۸ م. بار دیگر هیئتی از سوی کمپانی مسکوی به ایران آمد، و با اینکه یک قرارداد هفت ماده‌ای در زمینه تجارت از راه روسیه با ایران منعقد نمود، اما به دلیل اشکالات و خطرات فراوان تجارت از طریق روسیه و ناسازگاری هوا و عدم تمایل روسها به آمد و شد نمایندگان سیاسی و بازرگانی انگلیس از طریق روسیه، این کار عملی نشد، و فعالیت شرکت انگلیسی - روسی مسکوی نیز تعطیل گردید<sup>(۱)</sup>. علی‌رغم این مشکلات باید توجه داشت که راه بازرگانی روسیه، بویژه از طریق رود ولگا به هسترخان و دریای خزر و ایران، در اواخر قرن دهم هجری اهمیت دوگانه‌ای داشت: نخست آنکه این شهر بر سر راه دریای ایض و دریای خزر قرار گرفته، آسیا و اروپا را از این طریق بدون مداخله بحریه اسپانیا و پرتغال به هم مربوط می‌ساخت و برای تجارت ادویه و ابریشم مسیر دیگری دور از کنترل ترکان و ونیزیان پیدا شد، و بازاری برای صدور پارچه‌های انگلیسی فراهم گردید. در ثانی، شهر هسترخان که به صورت جنوبی‌ترین پایگاه دریایی روسیه درآمد بود، منافع عثمانی را در قفقاز تهدید می‌کرد، و فعالیت کمپانی‌های انگلیسی باعث شد بخشی از تجارت ایران از مسیر شرقی - غربی، متوجه محور شمال و جنوب گردد، و این راه برای دولت ایران که

میل داشت از تسلط عثمانی بر راههای تجارتی عمده آزاد شود، اهمیت خاصی داشت<sup>(۱)</sup>.

اسناد و مدارک دوره صفویه نشان می دهد علی رغم کوشش بسیاری که اروپاییان در برقراری مناسبات بازرگانی با ایران به کار بردند، این مهم در دوران شاه اسماعیل، شاه تهماسب، اسماعیل دوم و محمد خدابنده تا به قدرت رسیدن شاه عباس اول به تحقق نپیوست، و از حد تعارفات و وعده و وعید تجاوز نکرد. عمر شاه اسماعیل اول به برقراری مناسبات با دولت ونیز وفا نکرد. شاه تهماسب اول در طول ۵۴ سال سلطنت خویش پس از مدتها جنگ و جدال با اوزبکان و دولت عثمانی در فرصت صلحی که در سال ۹۶۹ ه.ق. با عثمانی به دست آمد<sup>(۲)</sup>، هم خود را صرف استقرار مذهب تشیع و عمران و آبادی کشور نمود و دوران قدرت اسماعیل دوم یکسال و چند ماه بیش به طول نینجامید و سلطان محمد جانشین او نیز یا گرفتار سرکشیهای سرداران قزلباش بود، و یا جنگ با عثمانیان، و بجاست دوران سلطنت شاه عباس اول را مرحله نوینی در حیات سیاسی و اقتصادی حکومت صفوی بدانیم، و در واقع در همین زمان است که ایران مناسبات وسیعی را با کشورهای اروپایی بویژه در زمینه تجارت برقرار کرد. این پادشاه با برانداختن قدرت امرای قزلباش که گردانندگان اصلی سیاست داخلی و خارجی در زمان پدرش بودند، با برقراری حکومت مرکزی نیرومندی، تمامی سیاست نظامی و اقتصادی مملکت را در دست خود گرفت. نیروهای اوزبک از خراسان رانده شدند، و هرات، مهمترین چهار راه ارتباطی شرق ایران، از تصرف آنان

1. *The Cambridge History of Iran.*

VIL.P 430.

۲. قاضی احمدقمی، خلاصه التواریخ، به اهتمام احسان اشراقی، ص ۴۲۸.

خارج شد. در سال ۱۰۰۷ ه.ق.، وقتی که شاه عباس از سفر جنگی خراسان بازگشت، از آنتونی شرلی و رابرت شرلی و ۳۶ نفر همراهان ایشان که یک نفر متخصص توپ ریزی نیز در بین آنها بود، در پایتخت خود قزوین به گرمی استقبال کرد، و پس از مدتی با کمک آنها پانصد عراده توپ برنجی و شصت هزار تفنگ تدارک دید<sup>(۱)</sup>، و چند سال بعد و با سپاه تازه‌ای که از قوللرها و شاهسون‌ها، تشکیل داده بود عثمانیان را از تبریز و آذربایجان، قفقاز و عراق بیرون راند، و در ۱۰۰۹ ه.ق. پس از فتح لار و بحرین به دست الله‌وردی خان سپهسالار و با استفاده از رقابتی که میان استعمارگران انگلیسی، اسپانیا و پرتغال بر سر تسلط بر راه‌های دریایی خلیج فارس و دریای عمان وجود داشت، با کمک شرکت انگلیسی هند شرقی که ناوگان نیروی خود را در اختیارش قرار داده بودند، جزیره هرمز و بندر جرون را از دست پرتغالیان خارج ساخت.

شاه عباس دریافته بود که در امر تجارت هیچ کالایی گرانبهارتر از ابریشم نیست. این کالا خریداران زیادی در اروپا داشت و پول فراوانی از فروش آن نصیب ایران می‌گردید، و این امر بر رونق بازار داخلی می‌افزود. شاه‌عباس برای تأمین این نظر بخش عمده‌ای از فعالیت خود را صرف تولید ابریشم و تهیه پارچه‌های ابریشمی نمود، و از همین جاست که ابریشم موضوع اصلی بازرگانی خارجی ایران شد و کشور ایران تا حد قابل ملاحظه‌ای جای چین را در تجارت ابریشم گرفت. ظاهراً در سال ۱۷۵۱ م. ابریشم‌باخان چینی که در نبردی در طراز اسیر شدند، می‌توانستند روشهای نوغان‌داری چینیان را در ایران رایج سازند. اما این روشها آیا در

۱. سفرنامه برادران شرلی، ترجمه آوانس، ص ۶۶، ایران و جهان، ص ۴۲۸.

ایران شناخته نبود؟ برای اثبات این امر (که ایران کانون پرورش کرم ابریشم بود) در حقیقت هیچ تاریخ و هیچ گواهی دقیقی در دست نیست اما به نظر می‌رسد که ایران که از باب تجارت در خشکی نیز مانند دریا نیرومند بود، نمی‌توانست از رموزی بی‌خبر باشد که آسیای مرکزی و بیزانس از دیر باز بدان راه بسته بودند. می‌توان پذیرفت که تخمهای کرم ابریشم در زمان ساسانیان پیش از اعزام راهبان یوستی‌نیانوس به آسیای مرکزی بدانجا وارد شده بودند، و الاً ایران نمی‌توانست چنان موقعیت ممتازی را احراز کرده باشد<sup>(۱)</sup>.

ابریشم در ایران در هر جا که آب و هوا اجازه می‌داد، گسترش می‌یافت و منطقه مناسب تولید آن میان ۳۵ درجه و ۴۲ درجه عرض شمالی گسترده است، و ایالات نوغاندار ایران، خراسان، گرگان، طبرستان، آذربایجان و دیلم بودند. شهرهای مرو، اصفهان، نیشابور و استرآباد نیز جز و این مناطق محسوب می‌شدند. رابینو، تهیه ابریشم را در قرون اولیه مبدأ تاریخ مسیحی در ایران می‌داند، و معتقد است این ابریشم از چین نیامده و محل نشو و نمای آن را در محل بخارا ذکر می‌کند و، به نقل از مدارک دیگر، می‌گوید ایران و ترکستان اصلاً مولد کرمهایی که پيله زرد دارند، بوده، و چین مولد کرمهای دارای پيله سفید است<sup>(۲)</sup>. در هر حال مطلب به هر شکل که باشد، مناطق شمالی ایران در زمان صفویه یکی از مناطق مهم تولید ابریشم بوده است.

سیاست اقتصادی شاه عباس عبارت بود از افزودن بر صادرات و کاستن در واردات. سرتوماس هربرت یکی از مأموران انگلیسی که در

1. Luce Boulnois. *Larcaté De Soie* .p.143.

۲. صنعت تخم نوغان در ایران ه. ل. رابینو. ترجمه سعید نفیسی، ص ۵.

اواخر پادشاهی شاه‌عباس به ایران آمده بود، می‌نویسد:

... شاه‌عباس را ملامت می‌کنند که به کار تجارت مشغول است. ولی گمان می‌رود توجه و شرکت وی در امور بازرگانی کشور گناهی نیست، زیرا در ایران تجارتهای بزرگ و گرانبها از همه کس ساخته نیست. پادشاه ایران اجناس فراوانی را به بهایی ارزان می‌خرد، و در مقابل آن، اجناس مرغوب ایران را صادر می‌کند و آنچه را که خریده‌است برای فروش به بازرگانان ایرانی می‌سپارد... در ایران هیچ‌کس جز وزیر مخصوص که از جانب شاه تعیین شده‌است، اجازه معامله با تاجر بزرگ خارجی را ندارد<sup>(۱)</sup>. از بازرگانان بیگانه شاه‌عباس به اتباع و نیز به سبب آنکه در کار تجارت ابریشم کوشش و مهارت بسیار نشان داده بودند، توجه و علاقه مخصوص داشت، و با تاجر هندی بدان سبب که در رباخواری و بیرون برون سرمایه‌های نقدی ایران افراط می‌کردند، مخالف بود. وی تشخیص داده بود که کلید رونق اقتصادی ایران وابسته به ابریشم است که اختیار آن باید در دست او باشد. ایالات گرجستان، شیروان و گیلان آب و هوا و خاک مساعد برای رویش درخت توت داشت که کرم ابریشم از برگ آن تغذیه می‌کند. صادرات ابریشم برای ایران در آن هنگام جنبه حیاتی داشت. وقتی تعادل تجارت در شرق ایران به هم می‌خورد، فروش ابریشم به اروپا و وارد کردن اقسام پارچه از این قاره تعادل را برقرار می‌کرد<sup>(۲)</sup>. مجموع محصول ابریشم ایران در سال نزدیک به بیست هزار عدل بود، و هر عدل ابریشم در آن زمان، حدود سی و شش من وزن داشته‌است که از

۱. نصرالله فلسفی، زندگانی شاه‌عباس اول، ج ۵، ص ۱۹۴۷.

آن میان، در گیلان در حدود هشت هزار عدل، شروان حدود سی هزار عدل، خراسان سه هزار عدل، مازندران دوهزار عدل، و قراباغ حدود دوهزار عدل ابریشم تولید می‌شد. به فرمان شاه‌عباس تولیدکنندگان ابریشم ناگزیر تمام محصول سالانه خویش را به وسیله وزیر مخصوص که مأمور مراقبت امور تجاری بود، به شخص وی می‌فروختند و فروش محصول ابریشم در سراسر کشور به مشتریان دیگر امکان نداشت. شاه‌عباس ابریشم را از مالکان آن به نصف بهایی که مشتریان دیگر، خاصه ارامنه جلفای اصفهان خریدار بودند، می‌خرید و سپس آن را به بازرگانان ایرانی و بیگانه به قیمتی که خود معین می‌کرد، می‌فروخت و همه سال از این راه سود گزافی که به گفته برخی از معاصرانش حدود هشت میلیون تومان زمان بوده‌است، به خزانه خویش می‌ریخت. به تجاری هم که احیاناً برخلاف دستور او از دیگران ابریشم می‌خریدند، اجازه می‌داد که آن را از طریق آسیای صغیر و خاک عثمانی صادر کنند، و برای هر بار به دلخواه خود مبلغی از ایشان می‌گرفت<sup>(۱)</sup>.

تاورنیه سیاح فرانسوی می‌نویسد: «شاه‌عباس چون دید مملکت ایران از حیث تجارت عقیم، و به این جهت پول در مملکت بسیار کم است، مصمم شد اشخاص را با ابریشم خام ایران به اروپا بفرستد که میزان تجارت و رواج آن را به دست آورده، به این وسیله شاید از خارج پولی داخل مملکت نماید، و خواست اختیار ابریشم را خود به دست گیرد. یعنی به قیمت مناسبی که خود او معین کرده و از عدالت هم خارج نبود،



از رعیت خریده بود، به خارج فرستاده تجارت نماید<sup>(۱)</sup>. ولی این پادشاه چون نسبت به تجار ایرانی به علت سوء استفاده آنها و بی تجربگی ایشان در امر تجارت نظر خوبی نداشت، توجه خود را به سوی ارامنه معطوف نمود، و آنها را برای اجرای مقاصد خود بهتر و انطباق دانست. زیرا هم آنها را قوی بنیه و در زحمات مسافرت خستگی ناپذیر، و هم در معاش قانع می‌دانست، و هم اینکه به واسطه مسیحی بودن در ممالک مسیحی بهتر می‌توانستند تجارت نمایند. بنابراین چند نفر از آنها را که شایسته‌تر می‌دانست، انتخاب و به هر یک، به اندازه استعدادش بارهای ابریشم تسلیم نمود که بروند، و در ممالک خارجه بفروشند، و بعد از مراجعت، قیمتش را به نرخى که شاه از روی انصاف معین کرده بود، بپردازند و هر چه دخل کرده باشند، بجای خرج سفر و حق الزحمه خودشان بردارند. به این وسیله آنها داخل کار تجارت شدند، و بزودی به سبب زیرکی و درستکاری طوری پیش افتادند که امروز رشته تجارتی نیست که آنها در آن داخل نباشند. زیرا تنها خط و مسیر مسافرتشان به اروپا نیست، بلکه تا اقصی بلاد آسیا نیز می‌روند. البته باید در نظر داشت که اگر ارامنه بهترین بازرگانان ابریشم محسوب می‌شدند، در عین حال با گرمیهای ساکن مازندران بهترین پرورش دهندگان کرم ابریشم نیز بودند<sup>(۲)</sup>. پیترو دلاواله می‌نویسد: «شاه (عباس) سرزمین گرجستان را با جنگ به دست آورد، و مردمش را به مازندران و حتی اصفهان و نقاط دیگر قلمرو خود سوق داده است... آنان که زارع بودند و مانند ارامنه به کار تربیت کرم ابریشم آشنایی داشته‌اند اکنون نیز بدان کار اشتغال دارند، و اطراف فرح‌آباد مملو از درختان توت است که در نقاط مختلف به آنجا آورده، و

۲. همان اثر، ص ۴۰۵.

۱. سفرنامه تاورنیه ترجمه ابوتراب نوری، ص ۴۰۱.

غرس کرده‌اند» و همو می‌نویسد «در فرح آباد چهل هزار خانواده ارمنی و دوازده هزار خانواده گرجی و هفت هزار خانواده یهودی، و حدود بیست هزار خانواده مسلمان اهل شیروان زندگی می‌کنند».<sup>(۱)</sup> سیاست شاه عباس مبنی بر کوچ اجباری گرجیان و ارمنیان و اسکان آنها در مناطق شمالی و یا اصفهان، علاوه بر جنبه سیاسی، جنبه اقتصادی نیز داشته‌است، و این مهاجران، سهم عمده‌ای در تولید ابریشم ایران در عصر صفوی داشتند. در میان مشتریان خرید ابریشم ایران، و نیز، هلند، انگلستان، روسیه، فرانسه، اسپانیا، لهستان، و مجارستان از همه مهمتر بودند، و از آن میان بازار هلند و وین نیز از همه داغتر بود. شاه عباس در هر یک از این مراکز نمایندگیهای تجاری داشت، و چون صدور ابریشم از راه آسیای صغیر به سبب مخاصمات ایران و عثمانی، علی‌الظاهر مشکل بود، برای بازرگانان ارمنی راحت‌تر بود از این راه ابریشم خود را صادر کنند. آنها کوشیدند از راه پرداخت وجوهی به خزانه شاهی، این مشکل را حل کنند، و در این راه توفیقی نیز به دست آوردند. دولت عثمانی نیز از صدور ابریشم ایران به کشور خود سود می‌برد، تا جایی که در قرارداد صلح با شاه عباس پیش‌بینی شده بود سالی بیست بار ابریشم به عثمانی صادر شود<sup>(۲)</sup>.

اخراج پرتغالیان از آبهای جنوبی ایران، زمینه ورود هلندی‌ها را به ایران فراهم ساخت، و شاه عباس نیز تمایل خود را به ایجاد مناسبات سیاسی و اقتصادی با هلند نشان داد و پس از آنکه شعبات کمپانی شرقی

۱. اثر پیتر و دلاواله، ترجمه شجاع‌الدین شفا، ص ۱۷۱ و ۴۴۳.

۲. عباس اقبال. تاریخ ایران، ص ۶۸۶.

هلند استقرار یافت، تصمیم گرفت معاهده‌ای با دولت هلند منعقد کند و به همین منظور در فوریه ۱۶۲۵ م. موسی بیگ، نماینده خود را به عنوان سفیر ایران در هلند معرفی نمود. همراه موسی بیگ، صد عدل ابریشم نیز به خرج شاه عباس حمل می‌شد\*. به علاوه، شاه عباس با ارسال مقادیر زیادی ابریشم به انگلستان و فرانسه بازار ابریشم این کشورها را نیز آزمایش کرد<sup>(۱)</sup>. پس از مرگ شاه عباس در سال ۱۰۳۸ ه.ق. جانشین وی شاه صفی نیز روابط بازرگانی با هلند را دنبال نمود. او در بدو امر با صدور نخستین فرمان خود ممنوعیتهایی را که در زمان شاه عباس در مورد صدور آزادانه ابریشم وجود داشت، از میان برداشت، و دستور داد، ابریشم گیلانات را که: «به جهت صلاح ملک، که مبادا به جانب روم برند و به جهت دخل تمغا منافع عظیم عاید عساکر ایشان شود، محدودیت تجارت ابریشم با عثمانی لغو شود، و بازرگانان ابریشم مجاز شدند ابریشم خود را به هر جا و به هر کس بفروشند.»<sup>(۲)</sup>

پس از صدور فرمان رفع ممنوعیت صدور ابریشم به عثمانی، هلندی‌ها با زیرکی و ابتکارات خاصی، گوی سبقت را از تجار انگلیسی ربوده، و این موفقیت را تا پایان کار دولت صفوی حفظ کردند.

در زمان شاه عباس دوم، که مانند جدش به کار تجارت علاقه مند بود، بار دیگر مسئله کنترل شاه بر تجارت ابریشم مطرح گردید. شاردن که در زمان این پادشاه به ایران آمد و مدتی نیز در این کشور اقامت گزید، و مفصل‌ترین سفرنامه‌ها را در باره ایران عصر صفوی نوشته است،

۱. ویلم فلور، اولین سفرای ایران و هلند ترجمه داریوش مجلسی، دکتر حسین

می نویسد: «بازرگانی و تجارت در مشرق زمین یک پیشه بسیار افتخارآمیز است، و تجارت را بهترین حرفه می دانند و این امر تعجبی ندارد. چون اقتدار موروثی بسیار قلیل است، و قدرتی که با اشغال مقامات و مناصب به دست آید سخت متزلزل است به همین جهت، بازرگانی در این قسمت بسیار عزیزالقدر است... حتی پادشاه به تجارت می پردازد. شاه، ابریشم و منسوجات زربفت و سیم بافت و پارچه های نفیس و قالی و فرش می فروشد، و از این کالاها به ممالک همسایه صادر می کند... کالای عمده تجارتی ایران، ابریشم است. این محصول در گرجستان، خراسان، کرمان و بویژه از گیلان و مازندران که هیرکانی است به دست می آید. ایران سالانه ۲۲۰۰۰ عدل محصول ابریشم دارد. محصول ابریشم حدود ده تا دوازده میلیون ارزش دارد (تعیین نمی کند تومان یا کو)... صادرات ابریشم ایران بسیار مشهور و نیازی به شرح و تفصیل ندارد. هلندیان از طریق دریای هندوستان در این ابریشم پنج تا ۶۰۰۰ لیور به اروپا حمل می کنند، و همه اروپاییانی که در امپراتوری (عثمانی) تجارت دارند، هیچ گونه کالایی نفیس تر از ابریشم ایران که از ارمنیان خریداری می کنند، در این کشور به همراه نمی آورند. مسکوی ها نیز از این محصول به کشور خود وارد می کنند.

در زمان شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۶ ه. ق.) بازار تجارت ابریشم خصوصاً برای هلندیان رونق داشت. آنها در باره ابریشم با شاه توافق کرده، و قراردادی منعقد ساختند که هر سال سیصد بار ابریشم از ایران بخرند، و برای هر بار ابریشم علاوه بر قیمتی که در بازار بفروش می رسد، «هزار لیور» پردازند به شرط آنکه در مقابل، مال التجاره هایی که به ایران وارد می کنند در پرداخت حق گمرکی معاف باشد. این قرارداد، کاملاً به نفع هلند بود، زیرا از یک سو می توانست مقادیر قابل توجهی ابریشم به

بازارهای اروپا وارد کند، و از سوی دیگر با وارد کردن کالاهای خود به ایران و معافیت گمرکی، از رقبای تاجر خود بویژه انگلیسیها پیشی گیرد\*\*\*. در این زمان کارگاههای بافت پارچه‌های ابریشمین که بیشتر به دستگاه سلطنت تعلق داشتند، از رونق خاصی برخوردار بود و آن‌طور که از سفرنامه‌های خارجیان برمی‌آید، به علت نقش درجه اولی که ابریشم و پارچه‌های ابریشمی و دیگر منسوجات گرانبها در افزایش درآمد کشور داشته، کارخانه‌های ابریشم بافی و زربافی و شعربافی در شهرهای اصفهان، کاشان و یزد دایر بود. کارگران چنین کارخانه‌هایی جزو قشر ممتازی از پیشه‌وران محسوب می‌شدند و مواجبی به اندازه کافی دریافت می‌کردند که هر سه سال یک بار بر میزان این دستمزد افزوده می‌شد. به نوشته کمپفر کارگاههای متعدد سلطنتی تولید پارچه‌های ابریشمی و شالبافی و زری بافی تحت سرپرستی مقامی دولتی به نام ملک‌التجار قرار داشت. در زمان شاه سلیمان بازار ابریشم ایران مانند پیش رونق نداشته‌است چه علاوه بر آنکه هلندیها این متاع را کمتر صادر می‌کردند، دولت گورکانی هند نیز ورود آن را به هندوستان ممنوع ساخته بود و در خاک عثمانی نیز فروش قابلی نداشت. در این زمان محصول ابریشم بیشتر در کارخانه‌های اصفهان، کاشان، تبریز و مشهد بافته می‌شد و به مصرف داخلی می‌رسید.

در زمان شاه سلطان حسین بار دیگر دولت انگلیس وارد معاملات ابریشم و کالاهای دیگر گردید، و از اعتبار و حیثیت هلندیها به تدریج کاسته شد، و در ۱۱۳۴ ه. ق. که ایران گرفتار حمله افغان‌ها بود، تجارتخانه انگلیسی و فرانسوی و امثال آن در اصفهان بسته شد و آشفستگی در دستگاه دولت صفوی سبب شد تا این دولت در معرض زوال و انقراض قرار بگیرد.

¶ فومن از مراکز درجه اول تولید ابریشم آن محسوب می‌شد.

غیر از گیلان، شهرهای کاشان و یزد نیز در تولید ابریشم سهمی داشتند. ولی ابریشم شهرها به مرغوبیت ابریشم تولیدی گیلان نمی‌رسید (اولین سفرای ایران و هلند، صص ۳۶-۳۷).

¶¶ همین نویسنده می‌گوید: "با وجودی که قرارداد تجارتی هلندیها با شاه‌عباس موفقیت بسیار ممتاز و پرسودی برای کمپانی هند شرقی هلند به وجود آورده بود، ولی در عمل، نتیجه‌ای که از آن انتظار می‌رفت به دست نیاورد. طبق این قرارداد هلندی‌ها در کار تجارت با ایران از آزادی کامل برخوردار شده بودند. ولی در ورای آن محدودیتهایی وجود داشت که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کالاهای وارداتی هلند به شرطی از تمام حقوق گمرکی معاف بود که آنها در مقابل فروش متاع خود مقدار معینی ابریشم تحویل گیرند و در صورت خرید آزاد می‌بایستی مالیات و عوارض مختلف آن را بپردازند.

۲. ثلث خرید هلندیها از ایران می‌باید بصورت نقدی انجام شود و در غیر این صورت بهای ابریشم از میزان مورد توافق بالاتر می‌رفت.

۳. معامله با سایر تجار بجز تاجر مخصوص شاه و فروش امتعه در بازار آزاد محدودیتهای زیادی داشت... (ص ۳۸)